

فهرست مطالب

مقدمه مترجمان.....	۹
شرح حال مؤلف.....	۱۱
مقدمه.....	۱۵
فصل اول - ادبیات پیروز.....	۱۹
۱. قرآن.....	۲۰
۲. شعر تا سه دهه پایانی قرن هفتم میلادی.....	۲۸
۳. شعر عرب و وضعیت آن تا حدود ۱۰۷ ق/ ۷۲۵ م.....	۳۸
۴. شعر شامی - عراقی در عصر امویان.....	۴۳
۵. شعر عاشقانه در دوران اموی: حجاز و تأثیر آن.....	۴۸
فصل دوم - ادبیات تلاقی فرهنگ‌ها.....	۵۷
۱. شعر در دوره خلافت عباسیان.....	۵۹
۲. شعر طرب.....	۶۱
۳. شعر سنت.....	۶۳

۶۷.....	۴. شعر اخلاقی و آیینی
۷۱.....	۵. شعر اُنْدُلُس
۷۶.....	۶. نثر عربی کلاسیک و اوضاع و احوال آن
۷۸.....	۷. ادبیات "ادب"
۸۴.....	۸. ادبیات و "ادب"
۹۱.....	۹. جغرافیا
۹۴.....	۱۰. نثر مسجّع
۹۷.....	۱۱. ادبیات عامیانه
۹۹.....	فصل سوم - ادبیات خاطره
۱۰۲.....	۱. دانشنامه نگاری
۱۰۵.....	۲. شکل های بدیع جغرافیا و تاریخ:
۱۰۵.....	ابن بَطُّوطه و ابن خَلْدُون
۱۱۰.....	۳. حکایات و داستان های بلند
۱۱۳.....	فصل چهارم - ادبیات نهضت
۱۱۵.....	۱. مراحل عمده نهضت
۱۱۸.....	۲. ابزارهای بیان
۱۲۶.....	۳. شعر
۱۳۲.....	۴. نثر: رساله ها و تئاتر
۱۳۷.....	۵. نثر: داستان بلند و داستان کوتاه
۱۴۵.....	حرف آخر
۱۴۷.....	نمایه
۱۵۳.....	چکیده کتابشناسی

مقدمه مترجمان

کتاب ادبیات عرب به زبان فرانسه توسط خاورشناس فرانسوی اندره میکل در مجموعه معروف چه میدانم؟^۱ توسط نشر دانشگاهی فرانسه در ۱۹۶۹م منتشر شد. با توجه به این که این کتاب در یک مجلد نگاهی بسیار تحلیلی و دقیق به ادبیات عرب در همه دوران ادبی از عصر جاهلی تا عصر نهضت افکنده و دربرگیرنده اطلاعات ارزشمندی است مناسب دیدیم به زبان فارسی ترجمه شود تا دانشجویان رشته ادبیات عرب و ادبیات فارسی و نیز دیگر علاقه‌مندان بتوانند به راحتی از آن بهره‌مند شوند. کار ترجمه از زبان فرانسه آغاز شد؛ در میانه راه دریافتیم این کتاب توسط رفیق بن وئاس، صالح حیزم و طیب عشاش به زبان عربی ترجمه و در تونس (۱۹۸۰م) منتشر شده است. با کمک یکی از دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی واحد علوم و تحقیقات به این ترجمه دست یافتیم و این ترجمه را نیز در کار خود با دقت مورد توجه قرار دادیم. در ترجمه آنجا که ضرورت

۱. QUE SAIS-JE?

داشته توضیحاتی در پاورقی افزوده‌ایم علاوه بر این معادل هجری قمری همه تاریخ‌های میلادی در کنار آن نوشته شد تا برای مخاطب فارسی‌زبان قرن‌ها مأنوس‌تر باشد و نیز همه اسم‌های خاص دقیقاً شکل‌گذاری شده‌اند تا خواننده در تلفظ درست آن‌ها دچار خطا نگردد. در ترجمه متن که دشواری‌های خاص خود را داشت و از پیچیدگی‌ها و جمله‌های طولانی تهی نبود کوشیدیم امانت را رعایت و تا آنجا که امکان دارد مطالب کتاب با دقت و درست به مخاطب منتقل شود. کار میکِل یک کار کاملاً علمی و دقیق است. شارل پلا (۱۹۱۴-۱۹۹۲) در مقدمه کتاب خود تاریخ زبان و ادبیات عرب^۱ می‌گوید: "این کتاب که به ضرورت موجز نوشته شده سخت پرمحتوا و شگفت است". تاریخ ادبیات میکِل نیاز دانشجویانی را که پیوسته تمایل دارند کتابی کم‌حجم در زمینه مطالعات خود در اختیار داشته باشند و نیز آنان که به دنبال توسعه معلومات خود هستند برآورده می‌سازد. در خاتمه شایسته است از حمایت‌های مدیر فرهیخته انتشارات سخن جناب آقای علمی و ویراستار ارجمند سرکار خانم درویشی صمیمانه تشکر کنیم.

مترجمان

تهران آذرماه ۱۴۰۰

۱. از ترجمه عربی کتاب با عنوان تاریخ اللغة و الآداب العربیة استفادة کرده ایم (دارالغرب الإسلامی، ۱۹۹۷)، ص ۲۰.

شرح حال مؤلف

اندره میکل (۱۹۲۹-۲۰۱۳ م)^۱، خاورشناس فرانسوی و متخصص زبان و ادبیات عرب در ۲۶ سپتامبر ۱۹۲۹ م در شهر مز (Mèze)، یکی از شهرهای جنوب فرانسه، متولد شد. علاقه او به زبان و فرهنگ عربی حاصل یکی از سفرهایش به مغرب است، سفری که پاداش موفقیت او در کنکور عمومی جغرافیا در سال ۱۹۴۶ م بود، از سوی دیگر آشنایی او با قرآن کریم از طریق ترجمه فرانسوی کلود اتین ساواری^۲، در دل بستگی او به ادبیات کشورهای عربی بی تأثیر نبود. این آشنایی، عشق و علاقه سرشار او را به مشرق زمین برانگیخت؛ از این رو شروع به فراگیری دستور زبان عربی کرد و به تدریج با این زبان آشنا شد؛ پس از ملاقات با رژیس بلاشر^۳، استاد زبان‌های شرقی و متخصص زبان عربی، میکل

-
1. André Miquel
 2. Claude-Étienne Savary (1750-1788).
 3. Régis Blachère (1900-1973).

مطالعات خود را در زمینه زبان و ادبیات عرب توسعه داد؛ مأموریت‌های فرهنگی او در کشورهای عرب‌زبان، از جمله مصر، لبنان و سوریه، تسلط او را در این خصوص بیش‌ازپیش نمایان ساخت. میکل نخست تصمیم گرفت رساله خود را در موضوع "سینما و ادبیات در مصر معاصر" بنویسد و برای نیل به این مقصود راهی مصر شد؛ اما در نهایت عنوان رساله خود را "جغرافیای انسانی جهان اسلام تا اواسط قرن یازدهم میلادی" برگزید. از آنجا که زبان عربی معاصر برای او نامأنوس بود به زبان عربی کلاسیک روی آورد؛ که به گمان او گنجینه‌ای بود نهفته در باب تمدن، فرهنگ و آداب و رسوم قوم عرب که اسرار سر به مهر آن همچنان ناشناخته بود، میکل درصدد برآمد تا فرهنگ اصیل و ناب عربی را به جهانیان معرفی کند و هم‌زمان جهان عرب را جهانی باز به روی دنیای بیرون و با تساهل و مدارا نشان دهد. او با این کار نه تنها اروپاییان را با فرهنگ و زبان عربی مأنوس و آشنا کرد، بلکه زمینه را برای نسل جوان عرب‌زبان ساکن این قاره فراهم نمود تا با کندوکاو در فرهنگ بومی و زبان مادری، سایر اقوام را با فرهنگ دیرینه خود آشنا سازد که بتوانند بدون تعصب و پیش‌داوری، پذیرای روزافزون این تمدن باشند، چه عدم شناخت این آیین و رسوم زمینه را برای هرگونه پیش‌داوری و جزم‌اندیشی فراهم می‌سازد. میکل بیش از ۵۰ سال از عمر خود را صرف تتبع، نگارش و ترجمه در زبان و ادبیات عرب کرد: از اشعار قیس بن ذریح گرفته تا ترجمه هزار و یک شب؛ وی همچنین به تحقیق و ترجمه آثار ادیبانی چون ابوالعتاهیه، ابن زیدون، ابوفراس حمدانی، آثار نویسنده مصری نجیب محفوظ و بسیاری از ادبای عرب همت گماشت. بدون تردید می‌توان گفت که اندره میکل بیش از هر متخصص معاصر فرانسوی در زمینه زبان و ادبیات عربی به تحقیق و پژوهش پرداخت به گونه‌ای که کارهای او با فعالیت‌های خاورشناسان غربی قرن نوزدهم میلادی قابل قیاس است. سابقه درخشان او در امر تدریس و انتشار صدها مقاله و

شرح حال مؤلف * ۱۳

کتاب در زمینه اسلام دیروز و امروز و زبان و ادبیات عرب وی را به یکی از نخستین اسلام شناسان و متخصصان غربی مبدل کرده است. از ۱۹۷۶ م تا ۱۹۹۷ م میکمل صاحب کرسی زبان و ادبیات عرب کلاسیک در کولژ دو فرانس^۱ بود و از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۷ م به مدت دو دوره سرپرستی آن را برعهده داشت. او خودزندگی‌نامه‌ای جذاب نگاشته است با عنوان مشرق یک زندگی (۱۹۹۰ م)^۲.

1. Le Collège de France

۲. برای آگاهی بیشتر از زندگی و آثار میکمل رجوع کنید به:
<https://erd-miquel.univ-amu.fr/>

مقدمه

ادبیات عرب با پیشینه‌ای بالغ بر سیزده قرن و با گستردگی حداقل روی دو قاره، خود جهانی است. دانشنامه‌نویسی آلمانی به کوشش کارل بروکلمان^۱ در اثری با عنوان تاریخ ادبیات عربی^۲ تقریباً تمامی ادبیات عرب را گردآوری کرده است؛ این کار در حد یک شاهکار بود، به‌ویژه این‌که مراد او از «تاریخ ادبیات»، ادبیات به معنای بسیار گسترده آن بود و همه تولیدات نوشتاری را شامل می‌شد و نه فقط آثاری که به راستی می‌توانیم آنها را ادبی وصف کنیم. نخست باید تکلیف خود را با کتاب حاضر مشخص کنیم: این کتاب که محدودتر است، به ادبیات در معنای مشهورتر و دقیق‌ترش خواهد پرداخت: یعنی کتاب‌هایی که در آنها بیان مدلول بدون تحقیق در سطح دال انجام نمی‌پذیرد و عمل نوشتن خود کنشی است از سوی نویسنده.

1. Carl Brockelmann (1868-1956).

2. *Geschichte der Arabischen Litteratur*

تولیدات در زبان عربی، که ما آن را به ادبیات در معنای حقیقی کلمه محصور کردیم، بسیار زیادند. زمانی نسبت به این امر بهتر می‌توان قضاوت کرد که بدانیم می‌توان در مورد یک نویسنده معروف دو، سه یا ده اثر را نام برد که تاریخ پر فراز و نشیب اسلام جز نامی از آنها برای ما حفظ نکرده است، آثار بازمانده از آتش‌سوزی‌ها، لشکرکشی‌ها یا نابودی کتابخانه‌های عمومی و شخصی. همین نقص در مورد نویسنده‌ای خاص چون مسعودی نیز وجود دارد: مسعودی، دانشنامه‌نویسی که در سده ۴ ق/۱۰ م با بهره‌گیری از ذوق و استعداد خود می‌نگاشت و ما او را، تنها از طریق اثری که گزیده دانش آن دوره است می‌شناسیم، آن هم به دو صورت کامل و چکیده. ولی آیا می‌توان از آثار کامل او سخن گفت حال آن‌که آشکارا می‌دانیم دو نسخه‌ای که از آن اثر عظیم به دست ما رسیده، تنها آخرین بخش‌های یک مجموعه بسیار وسیع بوده است؛ یعنی ادامه دو دائرةالمعارفی که بخش اول آن حداقل مشتمل بر سی جلد بوده و تنها یک جلد آن باقی مانده است؟ سی و شش عنوان دیگر در موضوعات مختلف را به این حجم ناشناخته بیافزایید، در این صورت حتی با فرض کشف گنج‌هایی بی‌نام و نشان در گوشه و کنار دنیا، کمبودهای موجود را نسبتاً بهتر درک خواهید کرد. بدون شک تمامی حوادث تلخ خوشبختانه چنین تأثیری نداشته‌اند. با این همه برخی از آنها توانسته‌اند دست‌کم مراحل از تاریخ ادبیات عربی و به‌ویژه زمان پیدایش نثر را بر ما نامعلوم گردانند، اگر نگوییم جنبه‌های گوناگونی از آن به‌راستی ناشناخته است.

حال منظور از واژه عربی چیست؟ بدون شک می‌توان حدس زد که مقصود ما تعریف متهورانه نویسندگان از این کلمه نیست: این تعریف ناقص است؛ زیرا زبان عربی اشاعه دهنده آیینی جهان‌شمول به نام اسلام است، دینی متشکل از همبستگی امت‌های گوناگون، که خویش را در کنار اصولی مشترک، برخوردار از

زبانی یافته که ایده‌آل بشمار می‌رود چراکه پشتوانه وحی است: زبانی که در حال تبدیل شدن به زبان برتر جهانی بی‌تردید به شکل شگفت‌انگیز متنوع بود، جهانی که برگزید به عربی سخن بگوید تا نشان دهد به فرهنگی مشترک تعلق دارد — و می‌خواهد تعلق داشته باشد — که این زبان نشانه آن است. گفتیم فرهنگ: از این نظر که اسلام فراتر از چهارچوب دین است. چراکه در حقیقت این آیین بخشی از زمانه شد و در دل آن به یک تمدن مبدل گشت، در یک حوزه جغرافیایی خاص استقرار یافت، و طرز تفکر یا سبک زندگی آن، علاقه دنیای پیرامونش یعنی علاوه بر مسلمانان، پیروان سایر ادیان الهی چون مسیحیت و یهودیت که مورد تأیید اسلام هستند را به خود جلب کرد. هرچند که پیشرفت‌های زبان عربی به عنوان گسترش‌دهنده دین، ارتباط مستقیمی با شکوفایی پیام قرآنی دارد، واقعیت این است که زبان عربی این بار به عنوان ابزار ارتباطی تمدنی به نام اسلام، تنها به مسلمانان، اگرچه در اکثریت باشند، تعلق ندارد. این که اسلام توانسته است بهتر از دیگر مذاهب به صورت هم‌زمان تداعی‌کننده معنویت و الگوی یک تمدن باشد را مرهون نیرویی است که جدایی‌اش از زمانه را ناممکن ساخته است. اسلام اصرار دارد در سطح اعتقادی محض و نیز دیگر جنبه‌های زندگی روزمره یا سیاسی یعنی همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی حضور داشته باشد. قدرت این نفوذ، در این پدیده بزرگ آشکار می‌شود که دست‌کم تا دوران معاصر، اغلب آثار مکتوب به زبان عربی به‌ویژه در قالب نثر، منعکس‌کننده دغدغه‌های اصلی دینی یا انشعاب یافته از دین، بیان ملاحظات سیاسی، زبانی، دینی، فقهی و غیره بوده که ممهور به مهر تأیید اسلام‌اند و اسلام به‌واسطه آرمان‌هایی که منادی آن است، شکل‌هایی که متناسب با مکاتب فکری پذیرفته، واکنش‌هایی که برانگیخته، مبارزاتی که در طول تاریخ درگیر آنها بوده و مورد حمایت قرار داده، بر آن آثار تأثیر

گذاشته است. حضور یا عدم حضور اهداف ادبی در این آثار تأثیر چندانی بر وضعیت کلی نمی‌گذارد: موضوع خواه معارضه، تفسیر، توضیح و یا دفاع باشد، ادبیات عرب در معنای وسیع و دقیق کلمه، غالباً و گاه حتی در شعر، یک ادبیات مبارزه است که ما امروز آن را "ادبیات متعهد" می‌نامیم.